

تقویت روحیه شهروندی در مدیریت کلانشهرها

مورد مطالعه: همدان^۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۸

فئانه دانشمند* (دانش آموخته دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
 دکتر اصغر نظریان (استاد گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

چکیده

تزریق درآمدهای نفتی در کشور سبب پیدایش شهرنشینی شتابان شده است. به گونه ای که «رشد» جمعیت شهری بر «توسعه» پیشی گرفته و مسائل گسترده ای را در شهر پدید آورده است. از این رو باید اصلاحاتی در روش برنامه ریزی شهری کشور صورت گیرد این اصلاحات نه از گونه کالبدی، که از نوع فرهنگی و اجتماعی است به این معنی که حقوق شهروندی در بخشهای گوناگون کشور لحاظ و برنامه ریزی کالبدی هماهنگ با مفهوم و حقوق شهروندی در بخشهای مختلف پیاده شود. در تحقیق حاضر ضمن تأکید بر تقویت روحیه و حقوق شهروندمداری در شهر همدان جایگاه مردم در برنامه ریزی و حرکت به سمت شهروندمداری پی گیری شده است. در این راستا با فرض اینکه تقویت احساس شهروندی و مشارکت مردم می تواند به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در حل مشکلات شهرهای بزرگ به خصوص شهر همدان به عنوان متروپل منطقه غرب کشور مطرح باشد، به جایگاه و نقش آن در جوامع سیاسی و در «قانون اساسی» و «قانون شهرداری ها» پرداخته شده است. لذا نوع تحقیق در این مطالعه کاربردی - تحلیلی است و روش تحقیق مبتنی بر گردآوری اطلاعات، مطالعات اسنادی، مشاهده و تهیه پرسشنامه است. جامعه مورد مطالعه شهر همدان و حجم نمونه با توجه به محاسبات انجام شده ۱۱۶ خانوار بوده است که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از برنامه های SPSS و روش های مرسوم آماری بهره برداری شده است. حاصل تحقیق این است که نبود و ضعف تاریخی جامعه مدنی، بی توجهی به لزوم مشارکت مردمی در اداره امور شهرها و کمبود

^۱ این مقاله استخراج شده است از رساله دکتری که به راهنمایی آقای دکتر اصغر نظریان تهیه شده است.

* نویسنده رابط drfdot@yahoo.com

دل بستگی به مکان و بیگانگی، کمبود قوانین مشخص و مدون - نگرش قییم مآبانه و بیش از همه آشنا نبودن «مردم» با مفهوم «حقوق شهروندی» و «شهروندمداری» و وظایف و مسئولیتها، موجب کاهش تعلق و علاقه مندی شهروندان نسبت به محیط خود و شهر همدان شده است.

واژه های کلیدی

شهر، شهروند، مشارکت مردم، مدیریت شهری، همدان

۱- مقدمه و طرح مسئله

توزیع فضایی جمعیت در کشورهای جهان به خصوص در کشورهای در حال توسعه عدم تعادل در شبکه استقرار جمعیت و بهره برداری از منابع انرژی را نشان می دهد. (نظریان، ۱۳۶۸، ۳۴) این عدم تعادل روز به روز بیشتر می شود. شهرها با مسائل و مشکلات بی شماری از قبیل: آلودگی ها، اسکان غیر رسمی، بیکاری، فقر، مشکلات مدیریتی و برنامه ریزی، بی هویتی شهری و نظایر آنها روبه رو شده اند و روزبه زور شدیدتر می شود. ساماندهی و برنامه ریزی های شهرهای جهان که از سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای پیشرفته آغاز شده بود. در دهه های اخیر مورد توجه برنامه ریزان شهری در کشورهای جنوب قرار گرفت و به منظور یافتن راه حل های منطقی در نظم دهی و طرح ریزی شهری علاوه بر سیاستهای راهبردی و کلان، سیاست های راهبردی خاصی در مجموعه های شهری و مناطق کلان شهری نیز مورد نظرواقع شد... در این میان یکی از سیاستهای راهبردی خاص که مورد توجه بیشتری قرار گرفت « روابط اجتماعی و احساس شهروندی» است.

توجه به این مفهوم برخاسته از مکتب عدالت اجتماعی است که از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شده است. ریشه این نوع جغرافیای مردمی که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تلاش می کند به نظریات پترکروپوتکین (آنارشیبست روسی) در زمینه بیکار علیه فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژاد پرستی در بیش از یک قرن قبل بر می گردد (شکویی، ۱۳۸۲، ۱۸۹) با ورود این مفهوم، جغرافیدانان به حوزه های مطالعاتی مختلفی از قبیل فقر، تبعیض، نابرابری و نژاد پرستی، امید به زندگی، اسکان غیر رسمی، زاغه نشینی، مشارکت مردم و ... گرایش پیدا کردند و به قول استاد فقید مرحوم دکتر شکویی "برای اولین بار، صدای بازماندگان در جوامع انسانی در علم جغرافیا طنین انداز می گردد. بدینسان از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نظام ارزشی و نظام اخلاقی، تفکرات جغرافیایی را به مسیرهای تازه ای کشاند" (شکویی، ۱۳۷۸، ۱۴۱).

بنابراین مشاهده می کنیم که از دهه ۱۹۷۰ به بعد، پارادایم جدیدی از تحلیل فضایی شهر مورد توجه قرار می گیرد. جغرافیای رادیکال که در بین سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۰ و به دنبال جنگ ویتنام مطرح شد عدالت اجتماعی برای همه طبقات اجتماعی را مطرح ساخت. در این مکتب، اساس کار جغرافی دانان تأکید بر مسائل اجتماعی- اقتصادی مردم است. آنان توزیع درآمد در شهرها- میزان دسترسی مردم به خدمات عمومی و خصوصی کالاها، اوضاع محیط زندگی، عوامل مؤثر در درآمد خانواده ها و کیفیت

زندگی مردم در محلات و مناطق داخلی شهرها را مورد مطالعه قرار دادند. در این زمان (۱۹۷۳) بود که "دیوید هاروی" معروفترین اثر خود را با عنوان "عدالت اجتماعی" و "شهر" منتشر نمود.

با توجه به این نظریات اجتماعی و همچنین بروز مشکلات عدیده شهری از دهه ۱۹۸۰ به بعد موضوع جدیدی در مدیریت و برنامه ریزی شهری مطرح شد و آن توجه به نقش مقامات محلی (شورای شهر) و شهروندان به عنوان سرمایه های اجتماعی شهرها بود. که در این ارتباط میتوان به مفاد «برنامه مدیریت شهری» سازمان ملل متحد و مصوبات اجلاس ۱۹۹۶ (هایتات ۲) در استانبول ترکیه اشاره کرد که با پیشنهاد دو طرح عمده: «افزایش کیفیت معیارهای عملکردی مدیریت شهری» و «تشویق مردم به مشارکت در امور شهری» راهی برای بهبود زندگی شهری و مدیریت شهری جهانی را ارائه نمود.

بنابراین ملاحظه می شود که نیاز به مشارکت شهروندان و توجه به حقوق شهروندی گستره جهانی پیدا کرده و به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است. در ادبیات جدید توسعه به اهمیت نقش مردم در جامعه توجه خاص شده است. و از مردم به عنوان ثروتهای واقعی در جامعه یاد می گردد و سیاست توسعه از پایین به بالا را که حاکی از نقش مشارکتی مردم است مد نظر قرار میدهد.

مشارکت شهروندان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، و آگاهانه، ارادی و سازمان یافته و مؤثر یکان های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه ها، نهادها، سازمان ها و بخش های عمومی و خصوصی شهری در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جامعه شهری است. (علوی تبار، ۱۳۷۹، ۹۱) و اهداف تجارب جهانی نیز بخصوص بعد از سالهای ۱۹۸۰ بیانگر این موضوع است که در برنامه های توسعه شهری توجه فزاینده ای به موضوع مشارکت مردم صورت گرفته است تا جایی که در حال حاضر مشارکت شهروندان رمز موفقیت برنامه ریزی شهری و یکی از معیارهای ارزیابی نظام مدیریت شهری و ارکان آن یعنی شهرداریها و شوراهای شهری است. بدین ترتیب همانطور که دیوید هاروی اعتقاد دارد: دیدگاه صرفاً فیزیکی معماران، شهرسازان، برنامه ریزان و طراحان شهری برای شناخت مسائل شهری کافی نیست بلکه شناخت و درک درستی از فضا میتواند ما را در برنامه ریزی شهرها موفق نماید. (هاروی ۱۳۷۶، ۸۷)

حال با توجه به اهمیت موضوع این مسئله مطرح می شود که در نقش و جایگاه مردم در برنامه

ریزی شهری، شهرهای کشور ما کجاست؟

مطابق مطالعات انجام شده در برنامه ریزی ها و مدیریت شهری گذشته ایران، جلب مشارکت شهروندان در رفع مشکلات و مسائل شهری ایران یا کم بوده و یا تشریفاتی بوده است بیشتر اقبال توانایی لازم برای بیان خواست خود و تشکیلات قدرت را نداشته اند. در حال حاضر نیز تعامل فرهنگی و مشارکت مدنی بدلیل ضعف قوانین مدیریتی، نگرش قییم مآبانه مدیران شهری و عدم آشنایی مردم در اداره امور شهراهنوز نتوانسته چندان خودنمایی نماید.

شهر مورد مطالعه این تحقیق شهر همدان است که در مرحله آغازین ورود به سطح کلان شهرهای ایران را شروع کرده است

در سرشماری سال ۱۳۳۵، ۹۹/۹۰۹ نفر جمعیت داشته و در حال حاضر نزدیک به ۶۳۷۳۰۴ نفر جمعیت دارد. اولین برنامه ریزی و طراحی شهری را در سال ۱۳۱۰ بر چهره خود دیده. در طول سالهای گذشته ۳ برنامه جامع توسعه را پشت سر گذاشته یا در حال اجرای آن است. این شهر علیرغم سوابق دیرینه تاریخی و گسترش تحولات کالبدی و جمعیتی که در دهه های بعد از انقلاب اسلامی تجربه کرده هنوز نتوانسته است شرایط لازم را در ارائه مشارکت مردمی و حقوق شهروندی بدست آورد.

۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن که برنامه ریزی مطلوب شهری و یا به عبارتی «حکمرانی خوب شهری» یعنی رابطه صحیح بین شهروندان و مدیران شهر است از نوع (K.A.P آگاهی، گرایش و رفتار) است که با روش توصیفی تحلیلی با امکان کاربرد آن در جهت بهبود برنامه ریزی ها شهری معاصر به انجام رسیده است. و در این رابطه روش مطالعه روش کتابخانه ای همراه با روش میدانی است که هر دو به طور مستقل مورد توجه قرار گرفته است.

به منظور شناسایی روحیه شهروندی و سطح گرایش مردم به مشارکت در امور شهری تعداد ۱۱۶ پرسشنامه با طرح ۲۴ سؤال و در حداقل ۶ گویه در هر سؤال انجام پذیرفته برای تعیین تعداد نمونه از معادله زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{z^2 p(1-p)}{d^2} \quad (1)$$

در این معادله n تعداد نمونه، d مقدار اشتباه مورد قبول ۵٪، و ضریب اعتماد تضمین کننده آن ۹۵٪ می باشد. Z برابر ۱/۹۶ و p حداقل درصد پاسخ به سؤالهای مورد نظر را نشان می دهد. روش انتخاب خانوارهای نمونه و مراجعه به آنان: با توجه به نقشه تفصیلی شهر و تقسیم بندی مناطق مختلف و مشخص نمودن تعداد بلوک ها در هر ناحیه بوده است. آزمون پرسش نامه از طریق مشاهده مستقیم پرسشگران و اعتماد به صحت و سقم پاسخ ها و اطلاعات جمع آوری شده توسط پرسشگران انجام پذیرفته است. «روش انتخاب بلوکها و خانوارهای نمونه با توجه به نقشه تفصیلی شهر می باشد، شهر به مناطق مختلف چهارگانه تقسیم بندی شده و سپس داخل هر منطقه واحدهای مسکونی به طور انتخابی و تصادفی انتخاب شده است. در میان ۱۱۶ خانوار همدانی نسبت درجه تراکم خانوارها که در سطح مناطق همدان توزیع شده است به انجام رسیده سپس اطلاعات آماری در محیط SPSS با تعیین درجه همبستگی بین متغیرهای مختلف بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳- اهداف تحقیق

این تحقیق اهداف زیر را دنبال می کند:

شناخت درست مفهوم شهروندی و شهروندمداری و جایگاه آن در گذشته و حال کشور و ارائه راهکار برای حل این مسائل.

شناخت الگوهای مشارکت مردم در اداره امور شهرها به عنوان پارادایم جدید مدیریت شهری با استفاده از تجارب جهانی و ایران به عنوان ابزاری در جهت نهادینه سازی شهروندمداری در جامعه.

آگاهی از نیازها و خواسته های شهروندان همدانی

آموزش فرهنگ شهروندی و شهرنشینی به عنوان تلاش برای توسعه پایدار

حل مسائل شهری همدان از طریق یاری گرفتن از شیوه های جدید برنامه ریزی شهری با تکیه بر تحلیل و نگرش جغرافیایی.

۴- فرضیات تحقیق

- ۱- تقویت احساس شهروندی و مشارکت مردم در اداره امور شهرها میتواند در حل مشکلات شهرهای ایران به طور عام و شهر همدان به طور خاص موثر باشد.
- ۲- قوانین مصوب ایران به حقوق شهروندی توجه خاصی ندارد.
- ۳- سطح مشارکت مردم همدان در اداره امور شهری و آگاهی از حقوق شهروندی پایین است ولی سطح گرایش به سمت مشارکت و آگاهی از حقوق و قوانین شهروندی در سطح مطلوبی است.

۵- مبانی نظری تحقیق

پیشینه تاریخی شهروندی را باید در خاستگاه آغازین آن یعنی دولت شهر آتن در یونان باستان (سده پنجم پیش از میلاد) سراغ گرفت. در این دولت شهر به جز بردگان و بیگانگان و زنان و کودکان و سالخوردهگان تمامی اعضای آتن شهروند محسوب می شدند و در شورای مدیریت دولت شهر عضویت داشتند. در یونان این تفکر وجود داشت که انسان ها تنها در کشور های کوچک می توانند ویژگی های انسانی و آزادی خود را حفظ کنند و به عنوان یک شهروند شناخته شوند. عقیده یونانیان بر این بود که در کشور های بزرگ که حکومت مرکزی به همه جای آن فرمان می راند انسان تبدیل به برده می شود. از این رو، تنها دولت شهرها هستند که می توانند به انسان به عنوان شهروند هویت بخشند. (خاتمی، ۱۳۸۱، ۵۳)

نقش شهر، در یونان، ستایش انگیز بود، هر بخشی از شهر در نظر شخص شهروند، زنده به نظر می رسید، زندگی اجتماعی شهروندان، نیازمند توجه به مشارکت مداوم بود (مامفورد، ۱۳۸۱، ۲۴۷).

«شهر از دید افلاطون پدیده ای طبیعی است، نه ساختگی. یعنی داشتن یا نداشتن نظام سیاسی امری دلخواه نیست، بلکه زندگی بشر بدون آن ناممکن است. شهر ریشه طبیعی دارد پس امری تکوینی است. کار انسان ایجاد نظام اجتماعی نیست بلکه یافتن قوانین از پیش مشخص و مقرر شده است و عمل برپایه این قوانین، یعنی فرمان موجودیت شهر نه از سوی انسان که از جای دیگر صادر شده است، همان که سرچشمه عالم هستی است و انسان می تواند آن نظم از پیش مشخص شده را بشناسد و بدان عمل کند. تنها در این صورت است که نظام دلخواه تحقق می یابد. از دید افلاطون انسان به زندگی در شهر گرایش دارد و کشش طبیعی و تکوینی او را به سوی زندگی جمعی سوق می دهد. از این رو مسبب اصلی تشکیل شهر نیز های طبیعی انسان است. نیاز هایی که افلاطون بیان می کند، در

درجه نخست جنبه مادی و اقتصادی دارد. محدودیت امکانات نسبت به نیازها و استعداد های ذاتی افراد نسبت به کارهای گوناگون همیشه وجود دارد. افلاطون هدف اصلی جامعه را اقتصاد نمی داند و می گوید منشا و انگیزه پیدایش شهر هر چند که اقتصادی است ولی هدف آن ایجاد عدل است و عدل نیز امری است انسانی» (مامفورد، ۱۳۸۱، ۵۴).

«ارسطو نیز با افلاطون هم داستان می شود و معتقد است که شهر پدیده ای است طبیعی و انسان موجودی مدنی الطبع است. به نظر ارسطو تاسیس شهر امری است برآمده از سرشت آدمی و دارای ریشه طبیعی» (مامفورد، ۱۳۸۱، ۶۸).

به باور ارسطو شهر جنبه اقتصادی و امنیتی دارد ولی خطا است که هدف شهر را به همین محدود بدانیم. اینها شرط لازم برای استقرار شهر می باشد ولی هدف اصلی آن تامین زندگی خوب و سعادت شهروندان است و معتقد است " اگر پیدایش شهر برای زیستن است وجود و ادامه آن برای به زیستن است"، او حاکمیت قانون را از مهم ترین ویژگی های حکومت خوب (Good Government) در شهر می داند. به نظر او مهم نیست که حکومت چه شکلی دارد بلکه مهم آن است که قدرت را بر پایه قانون به کار ببرد. از دیدگاه وی، قانون مایه استواری شهر است. اوسپس به تعریف خود از شهر می پردازد و بر آن است که مفهوم شهر از مقوله کل است و از جمع شهروندان پدید می آید و برای شناختن کل باید جزء یعنی شهروند را بشناسیم. شهروند از نظر او کسی است که حق رسیدن به مناصب و حق دادرسی دارد. با این تعریف بسیاری از ساکنان شهر از دید ارسطو شهروند نیستند. ارسطو اولین کسی بود که مونوگرافی های شهری را تهیه و شناسنامه چهارصد شهر یونانی را تدوین کرد و همچنین قانون اساسی این دولت شهرها را نیز جمع آوری و بررسی نمود. شاید بتوان گفت ارسطو پایه گذار مطالعات شهری میدانی بوده است (نقدی، ۱۳۸۰، ۴۰).

ارسطو حکومت راناشی از اراده شهروندان می دانست و در اثبات نظریه خود می گوید: اگر کسانی باشند که جسماً و عقلاً مثل خدایان نسبت به دیگران امتیاز چشم گیری داشته باشند وزیر دستان نیز این برتری را بپذیرند و به حکم آنان تمکین کنند، طبیعی است که چنین کسانی شایسته حکومت اندولی در واقعیت، چنین امری وجود ندارد، پس برای پایداری جامعه و شهر لازم است که شهروندان به تناوب حکومت کنند. (تفاوت نظر ارسطو با افلاطون در اینجاست) وی بر لزوم دخالت توده مردم (شهروندان) در امور شهر تاکید می کنند و به دنبال پاسخ گویی و شفافیت برنامه ها از طرف حکم رانان در میان شهروندان است. (خاتمی، ۱۳۸۱، ۶۹)

آنچه در نظریات ارسطو دارای اهمیت بنیادی است و تا امروز پایه و محور همه مباحث شهروندی بوده است، فرض امکان چرخش و نوبتی بودن حکومت است، بدین معنی که دست کم از دیدگاه نظری یا در اصول، شهروند دارای حقوق می تواند و حق دارد برای رسیدن به حکومت کوشش کند و البته باید بپذیرد که دیگران نیز حق دارند و می توانند برای رسیدن به حکومت و جانشینی او بکوشند. این حق نیز نه ذاتی و نژادی و خانوادگی و عشیره ای و... بلکه حقی است که از گونه ای قرارداد اجتماعی زاده شده است. در این نظام، شخص دارای حقوقی فرض شده است و در برابر این حقوق، وظایف و مسئولیت هایی نیز پذیرفته است و پیروی از الگوهای رفتاری ویژه ای نیز از او انتظار می رود که نشانه جایگاه والای شهروندی است. و باز هم دست کم از دید تئوریک "نظام شهروندی" برای همه شهروندان حقوقی برابر می شناسد و در تمام شرایط باید به این حقیقت توجه داشته باشد، وگرنه باید پاسخ گو باشد. حکومت پاسخگو، ثمره نظام شهروندی است (پیران، ۱۳۷۶، ۱۲۰).

با توجه به آنچه گفته شد صفات ماهوی شهروندی در دولت شهر آتن دو چیز بود: شهروند به عنوان عضوی از جامعه سیاسی (فرمانبردار) و شهروند به عنوان عضوی از هیات حاکمه سیاسی (فرمانروا). در عین حال فرض بر این بود که هر کدام از افراد باید وظایفشان را به عنوان شهروند به خوبی انجام دهند بنابراین «فضیلت شهروند خوب این است که بر هر دو فن فرمانروایی و فرمانبرداری توانا باشند و از عهده هر کدام بر آیند مسئولیت اخلاقی شهروندی و نقشهای دوگانه شهروندی را خوب انجام دهند» (ارسطو، ۱۳۶۴، ۱۰۹).

۶- حقوق شهروندی در عصر حاضر

با فرو پاشی دولت شهر یونان و امپراطوری روم باستان رگه های شهروندی در حد نخبگان سیاسی و اشراف مشاهده می شود و توده مردم نقش مهمی در جامعه سیاسی نداشتند ولی برخی از الزامات نیم بند دموکراسی یونان در قالب انتخاب امپراطوران روم و مجلس سنا ملاحظه می شود. در قرون وسطی کلیسا محوری برای هدایت اخلاقی و وفاداری، جایگزین اجتماع سیاسی شد و فقط در چند شهر ایتالیا مثل فلورانس، مسئولیت پذیری، مشارکت شهروندان در امور جامعه متداول بوده (Faulks, ۲۰۰۰, ۲). استقرار مجدد نظام شهروندی به سبک دولت شهر آتنی پس از رنسانس (۱۵۰۰ میلادی) و همزمان با روشنگری و انقلاب فرانسه (سده ۱۸ میلادی) و پیدایش جامعه مدرن می باشد. ولی

جایگاه و مفهوم شهروندی در شهرها در دوره های پس از جنگ جهانی دوم پررنگ تر شده است. مهمترین جلوه ها و نمود های شهروندی در جامعه مدرن طی این دوران تاریخی و تحت تأثیر نیروهای اجتماعی و فرهنگی مانند: رفرماسیون مذهبی (به رهبری کالون و لوتردر فرانسه و آلمان)، جنبش فرهنگی رنسانس و انقلابهای سده ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و جنبش روشنگری (اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه حقوق شهروندی) شکل گرفته است. این نیروها در شکل گیری نظام پارلمانتاریزم تفکیک قوا، نظام انتخاباتی و حزبی، جنبش های اجتماعی، دولت رفاه، حکومت های محلی، مقامات محلی، سازمان های غیر دولتی NGO حوزه عمومی و به ویژه گسترش حقوق شهروندی نقش مؤثری داشتند. همچنین باز اندیشی توسعه تاریخی شهروندی در جامعه مدرن را می توان در نظریه شهروندی «تی - اچ مارشال» که یکی از برجسته ترین نظریه پردازان مربوط به شهروندی و حقوق شهروندی است مشاهده نمود اندیشه های او تأثیر زیادی در شکل گیری افکار «گیدنز» «هابرماس» داشته است. به نظر مارشال «شهروندی نوعی موقعیت اجتماعی اعطاء شده به افراد یک جامعه است که به موجب آن تمامی افراد صرف نظر از تفاوت های فرهنگی از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و ثبت شده برخوردارند» (۱۹۹۴/۱۵۰) (Marshall).

اندیشه های شهروندی در آثار جامعه شناسان شهری از قبیل مارکس، وبر، دورکیم و تونیس نیز به چشم می خورد. کارل مارکس با تکیه بر زیر بنای اقتصادی و تأثیر آن بر نقش اقتصادی افراد، جامعه مدنی را همان جامعه بورژوازی وابسته که عرصه مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است می داند و به همین خاطر دست یابی به رفاه و آسایش اقتصادی شرط اولیه برای بهره مندی از حقوق سیاسی مدنی است (پورجبللی ۱۳۸۸ - ۱۱).

وبر، دورکیم و تونیس نیز قائل به نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند، که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می شوند و به توافق و انسجام اجتماعی می انجامند از این چشم انداز شهروندی عقلایی «وبری»، شهروند مدنی و عرفی «دورکیمی» معنا پیدا می کند. در جامعه شناسی مدرن نیز با اندیشه های شهروندی پارسونز جامعه شناس آمریکایی روبرو هستیم که ادامه خط فکری «وبر» و «دورکیم» می باشد.

«آنتونی گیدنز» نیز یکی از دیگر اندیشمندانی است که ضرورت توجه به حقوق شهروندی را در عرصه حاضر بیان می کند. او در مباحث خود دولت رفاه را مسئول تأمین حقوق شهروندان

می‌داند و ذکر می‌کند که هدف کلی سیاست دولتها در عصر حاضر باید کمک به شهروندان برای یافتن راه خود از میان انقلابهای عمده دوران ما یعنی جهانی شدن، دگرگونی در زندگی شخصی و روابط ما با طبیعت باشد. دولتها باید در جستجوی روابط نوینی بین فرد و اجتماع و تعریف مجدد حقوق و تعهدات افراد باشد (گیدنز ۱۳۷۸ ص ۴۶)

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه حقوق شهروندی می‌توان استنباط نمود که دولت به عنوان رکن اصلی تأمین کننده حقوق شهروندی محسوب می‌شود. همچنین ارتباط و پیوند ناگسستنی میان شهروندی و شکل بندی‌های اقتصادی، سیاسی - اجتماعی، حقوقی، فرهنگی جامعه مدرن دیده می‌شود که در الگوهای نظری مختلف نشان داده شده است.

مطابق مطالعات انجام شده و با تکیه بر تجارب جهانی می‌توان اذعان داشت که در حوزه مطالعات شهری و برنامه ریزی شهری اهمیت حقوق شهروندی و شهروندمداری بیش از هر موضوع دیگری احساس می‌شود و توجه به شهروندی و مدیریت شهری حائز اهمیت است. متأسفانه از این نظر سابقه و ادبیات بومی کشور ما چندان پر بار نیست اگر مدیریت شهری را شامل فرآیندهای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت به اداره امور شهر و شهرداری‌ها بدانیم و نظام حقوق شهری را به مثابه روند قانونمند کردن فرآیند چند گانه مدیریت شهری و نیز قانونمندار نمودن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه شهرداری و شهروندان محسوب کنیم می‌توان رابطه نسبت مدیریت شهری و حقوق شهروندی را مشخص نمود.

در این میان سهم نقش قانون شهرداری‌ها که حلقه پیوند و محل اتصال مدیریت شهری و نظام حقوقی شهری است. بسیار حائز اهمیت است. از نظراندیشمندان برنامه ریزی شهری اهمیت حقوق شهری و شهروندان را باید در تدوین قوانین و مقررات راجع به شهرسازی و برنامه ریزی و مدیریت شهری و همچنین تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و دیگر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد.

هیراسکار، باستیه ودرز، کلود شالین، گیلبرت، گایگر، دیویدهاروی، از جمله دانشمندان معاصر هستند که در مورد حقوق شهروندی و مدیریت شهری اظهار نظر کرده و نهایتاً به نظریات مشابهی دست یافته اند که حاصل آن چیزی جز اصلاح رابطه حقوق شهروندان و مدیران شهری نمی‌باشد.

۷- قلمرو و تحقیق

همدان امروز یا هگمتانه دوران کهن یا هگمتانه دوران کهن با بیست و هفت قرن تاریخ، مرکز اولین مجتمع جامعه ایرانی و نخستین دولت ماد می باشد، این شهر در طول تاریخ باستانی خود از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. در حال حاضر استان همدان با وسعتی حدود ۱/۲ درصد از مساحت کشور جمعیتی ۱۷۰۳۲۶۷ هزار نفر را در خود جای داده است. این استان با ۵۸/۶ درصد جمعیت شهری و ۲۷ نقطه شهری یکی از کانون های توسعه با قطبیت شهر همدان در بخش شمالی زاگرس مشرف به فلات مرکزی ایران قرار گرفته است و شهر همدان در سرشماری سال ۱۳۸۵، ۴۷۹۶۴ هزار نفر جمعیت داشته است. در حالیکه جمعیت آن در سال ۱۳۳۵ فقط ۹۹۹۰۹ نفر بوده است. نرخ رشد جمعیت در پنج دوره سرشماری ۳/۱۹ بوده است بدین ترتیب ۲۸/۳ درصد کل جمعیت استان در شهر همدان سکونت دارند و از کل جمعیت شهری استان نزدیک ۹۵۷ هزار نفر است که ۵۳ درصد آن در شهر همدان سکونت دارند.

ملموس ترین اثر وجودی افزایش جمعیت در شهرها بخصوص در شهر همدان گستره ی کالبدی - فضایی آن است و طبق آمار رشد و توسعه شهری همدان در تمام دوره های سرشماری بخصوص در سال های ۷۰-۱۳۵۵ مدیون افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت روستائیان به شهر و ادغام روستاهای اطراف به این شهر بوده است که منجر به توسعه شهر در کوتاه مدت شده و همدان را به یکی از متروپل های منطقه ای غرب ایران تبدیل کرده است. رشد فیزیکی و فضایی شهر همدان در پنج دوره قابل مطالعه است. دوره اول دوره قبل از پیاده شدن طرح کارل فریش آلمانی در سال ۱۳۱۰ می باشد. دوره دوم یا دوره آغاز از طرح جدید (۱۳۱۰-۱۳۳۰) را شامل می شود. که با تغییر و تحول در این شهر همراه می باشد که اساساً به تغییرات فیزیکی بافت قدیمی شهر منجر می شود و طرح پیشنهادی کارل فریش (طرح شعاعی) در میدان اصلی شهر در قالب شش ضلعی انجام می پذیرد. سومین دوره تحول شهری در همدان دوره توسعه و رشد فیزیکی این شهر قبل از طرح جامع در فاصله سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ می باشد. مهاجرت روستائیان و افزایش جمعیت در این سالها منجر به تشکیل دو ناحیه فقیر نشین شهری در حاشیه همدان گردید. دوره چهارم تحولات شهری که در حقیقت توسعه شهری در دوران طرح جامع و در سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ می باشد این دوره که همزمان با اولین طرح جامع شهر همدان می باشد نسبتاً طولانی و همراه با تحولات و تغییرات اساسی و دگرگونی های زیاد می باشد. پنجمین دوره بعد از سالهای ۱۳۵۷ است که تا امروز تحولات چشمگیری

را از نظر گسترش فضایی به دنبال داشته است. ادغام روستاهای زیاد و گسترش خودجوش و رشد فیزیکی شهر سبب از بین رفتن در باغات و مزارع در اطراف شهر همدان و پیدایش مناطق پیش‌بینی شده است.

۸- داده‌ها و یافته‌های تحقیق

همانطور که در ابتدای بحث گفتیم تحقیق حاضر با هدف مطالعه «آگاهیها» «گرایشها» و «رفتارهای» شهروندان همدان در زمینه مشارکت صورت گرفته و بیش از هر چیز به «گرایشها» تأکید شده است. از اینرو لازم است اشاره مختصری به مفاهیم سه گانه فوق داشته باشیم:

«آگاهی‌ها» فرآیند سازمان‌دهی، تعبیر، تفسیر ارتباط اطلاعاتی است که از سوی حواس جمع‌آوری می‌شود.

«گرایش» ساخت ذهنی مخفی در شخصیت است و آن را می‌توان آمادگی ویژه فرد از نظر روانی و در رویارویی با پدیده‌ها و مسائل و وقایع و بروز عکس‌العمل توأم با هیجان نسبت به آنها دانست. گرایشها حاوی مفهوم ارزشی نسبت به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی هستند.

«رفتار» بر فعالیت‌هایی دلالت می‌کند که قابل مشاهده و بررسی می‌باشد. (فرند، ۱۳۶۲، ۵۷)

موضوع گرایش به مشارکت و توجه به هویت شهروندی بحثی کاملاً کیفی است که در مدیریت شهری قابل توجه و بررسی است. البته باید توجه داشت عوامل مختلفی بر این رفتارها و تفکیک اجتماعی شهروندان مؤثر است. که از جمله آن می‌توان به: رشد شهرنشینی، افزایش سواد، گسترش مراکز آموزش عالی، افزایش سهم جوانان در ترکیب جمعیتی، ظهور گروه‌های اجتماعی با علاقه و خواسته‌های گوناگون در سه گروه جوانان، زنان و تحصیل‌کردگان اشاره کرد. این گروه‌ها هر یک هویت‌های تازه‌ای را ابراز می‌کنند و بتدریج در فرآیند توسعه اجتماعی نقش و تأثیر خود را می‌یابند و به قول «کاستلز»: هویت‌های مختلف خواسته‌ها و مطالبات گوناگون را در جامعه به دنبال خود می‌آورند که این مطالبات جدا از تغییرات و شبکه شهری و اطلاعات جهانی نمیباشد یکی از این خواسته‌ها مشخصاً تقاضا برای «مشارکت» خواهد بود. (کاستلز ۱۳۸۴، ۸۹)

بنابراین موضوع «مشارکت» برای همه جوامع و جامعه در حال توسعه ایران موضوع بسیار مهمی است. لذا مجدداً ذکر می‌گردد که هدف از این تحقیق شناخت میزان تمایل مردم به مشارکت و نیز عوامل مؤثر بر آن به عنوان یکی از شاخص‌های شهروندی است.

پرسش نامه‌ها براساس چارچوب نظریات «وبر» و «دورکیم» و ارزیابی ذهنی از «هزینه - فایده» و «بی قدرتی» یا در حقیقت تمایل و منافع حاصل از مشارکت و یا تأثیر گذاری مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در نظر گرفته شده است. علاوه بر این تمایل و رفتار گروه های اجتماعی در گروههای جمعیتی NGOها و شورا های محلی و شغلی نیز بررسی شده است. لازم به یاد آوری است که ۱۱۶ پرسش نامه تنظیم شده در قالب ۲۴ سؤال عمده و ۱۵۴ گویه در بین ۱۱۶ خانوار تقسیم شده و در بین گروه های سنی ۱۶سال به بالا توزیع شده است.

میزان تمایل به مشارکت را از طریق سؤالاتی چون:

- ۱- مشارکت در انجمن خانه و مدرسه
 - ۲- مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر
 - ۳- مشارکت در فعالیت اتحادیه های صنفی
 - ۴- ارتباط و آگاهی از برنامه های مدیریت شهری
 - ۵- مشارکت در طرح های مشارکتی مثل طرح استقبال از بهار
- بررسی شده است که برخی از سؤالات در قالب نمودار های زیر نشان داده می شود.

جدول ۱: مشارکت در انجمن خانه و مدرسه به تفکیک گروههای سنی

نامشخص	شرکت نمی کنم	شرکت می کنم	گروه سنی
۲/۱	۸۶/۹	۱۱	۲۴-۱۶
۲/۲	۷۲/۶	۲۵/۲	۳۴-۲۵
۱/۱	۶۱/۱	۳۷/۷	۴۴-۳۵
۱/۷	۶۲/۹	۳۵/۴	۵۴-۴۵
۱/۷	۷۹/۹	۱۸/۴	۵۵ و بالاتر

مأخذ: نگارندگان

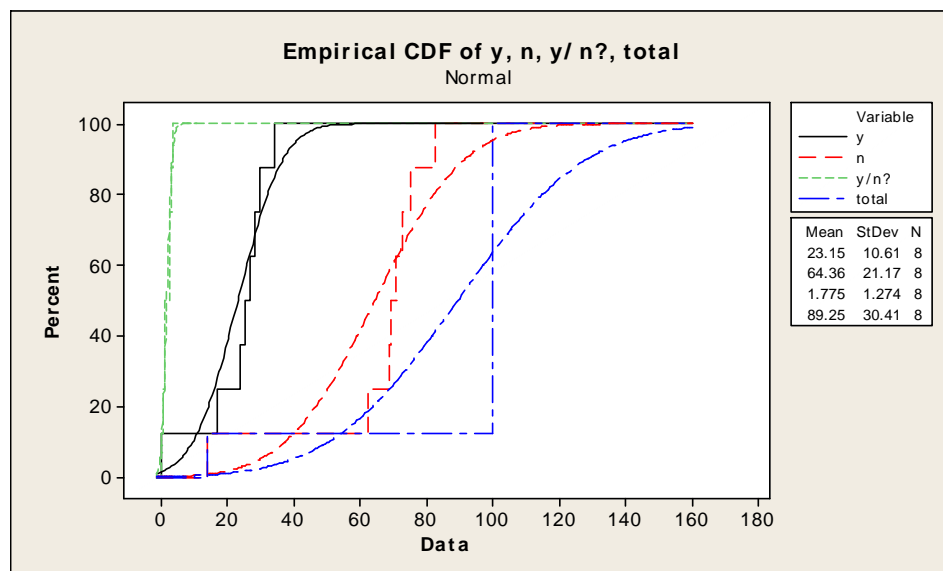
در جدول فوق روشن می شود که با افزایش سن از تمایل به مشارکت در انجمن خانه و

مدرسه کاسته می شود.

جدول ۲. مشارکت در انجمن خانه و مدرسه بر حسب وضع و سواد

گروه تحصیلی	شرکت می کند (درصد)	شرکت نمی کند (درصد)	نامشخص (درصد)
بی سواد	۱۶/۹	۸۲/۶	۰/۵
باسواد بی مدرک	۲۸/۳	۶۸/۹	۲/۹
ابتدایی	۲۹/۸	۶۹/۱	۱/۱
راهنمایی	۲۴	۷۵	۱/۱
دیپلم	۲۵/۱	۷۲/۵	۲/۴
فوق دیپلم	۳۴/۳	۶۲/۱	۳/۶
لیسانس و بالاتر	۲۶/۸	۷۰/۷	۲/۶
نامشخص	-	۱۴	-

مأخذ: نگارندگان



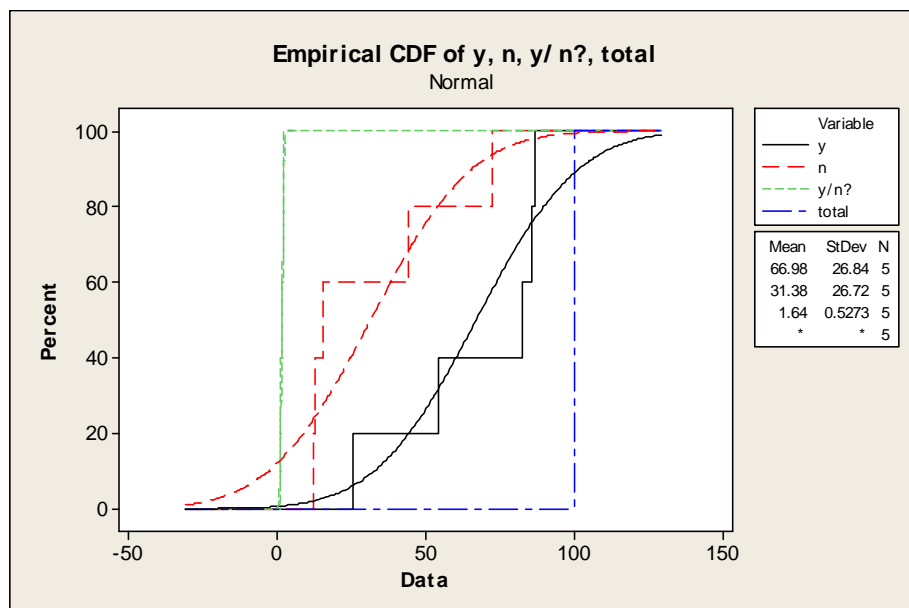
شکل ۱- نمودار مربوط به تحلیل آماری جدول شماره ۲

با توجه به نمودار می توان در یافت که در گروه های تحصیلی میزان مشارکت در انجمن خانه و مدرسه از پایین بیشتر است که شاید علت آن عامل بازتاب اثر سنی باشد.

جدول ۳: مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر

گروه سنی	شرکت می‌کنم (درصد)	شرکت نمی‌کنم (درصد)	نا مشخص (درصد)
۲۴-۱۶	۲۵/۳	۷۲/۶	۲/۱
۳۴-۲۵	۵۴/۵	۴۴/۴	۱/۱
۴۴-۳۵	۸۵/۸	۱۲/۵	۱/۷
۵۴-۴۵	۸۲/۴	۱۵/۴	۲/۲
۵۵ بالاتر	۸۶/۹	۱۲	۱/۱

مأخذ: نگارندگان



شکل ۲: نمودار تحلیل آماری جدول شماره ۳

با توجه به نمودار با افزایش سن میزان مشارکت در انتخابات شورای شهر افزایش می‌یابد.

نمودار روند افزایش گرایی در محدوده سنین ۴۰-۶۰ سال مشهود است.

در مورد انتخابات شورای شهر که نماد مشارکت مردم در اداره امور شهر خود می‌باشند می

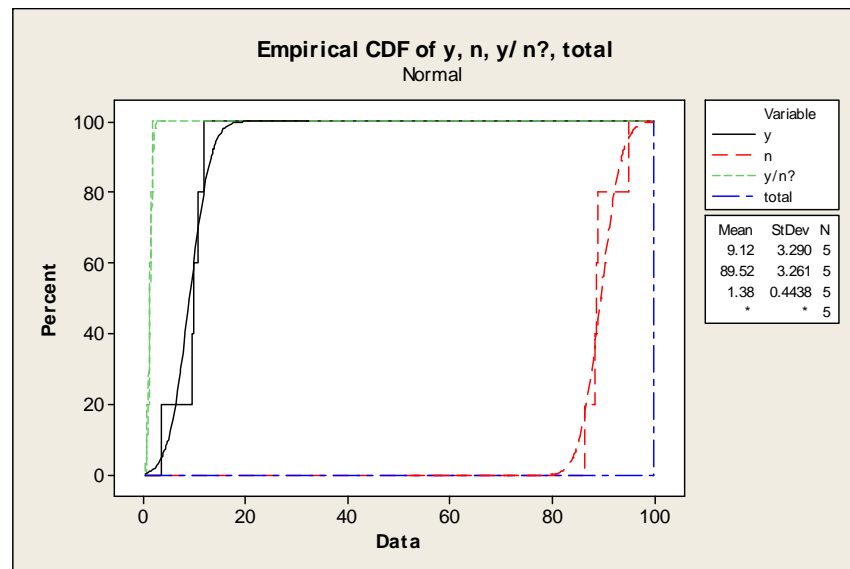
بینیم با افزایش سن میزان مشارکت در انتخابات شورای شهر بیشتر می‌شود و شاید این مسأله

ناشی از اعتقادات و فرهنگ حاکم بر جامعه در مورد انتخابات به عنوان یک حرکت و وظیفه سیاسی باشد. از طرفی مشارکت در اتحادیه های صنفی که در جدول پایین می بینیم حتی در قیاس با انجمن خانه و مدرسه پائین تر است و این مسأله شاید ناشی از نبود درک درست از شرکت در مجامع و فعالیتهای صنفی در جامعه است.

جدول ۴: مشارکت در فعالیت یکی از اتحادیه های صنفی به تفکیک گروههای سنی

گروه سنی	شرکت می کنم (درصد)	شرکت نمی کنم (درصد)	نا مشخص (درصد)
۲۴-۱۶	۳/۵	۹۵/۱	۱/۴
۳۴-۲۵	۹/۵	۸۸/۶	۱/۹
۴۴-۳۵	۱۰/۸	۸۸/۵	۰/۷
۵۴-۴۵	۱۲	۸۶/۵	۱/۶
۵۵ بالاتر	۹/۸	۸۸/۹	۱/۳

مأخذ: نگارندگان



شکل ۳- نمودار تحلیل آماری جدول شماره ۴

وجود تفاوت های ناگهانی در میان سنین بین ۲۴-۱۶ و ۵۴-۴۵ سال بیان گر این موضوع است که در میان مشارکت و متغیر سنی تفاوت های معناداری وجود دارد.

– میزان آگاهی در مورد حقوق شهروندی

جدول ۵: توزیع فراوانی آشنایی با مفهوم و حقوق شهروندی N=۱۱۶

عنوان گویه	زیاد(درصد)	تاحدودی(درصد)	کم(درصد)	جمع(درصد)
تا چه اندازه با مفهوم و حقوق شهروندی آشنا هستید؟	۱۳/۲	۳۱/۹	۵۲/۹	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

– میزان تمایل آشنایی مردم با حقوق شهروندی

جدول ۶: توزیع فراوانی تمایل به آشنایی مردم با حقوق شهروندی N=۱۱۶

عنوان گویه	زیاد(درصد)	تاحدودی(درصد)	کم(درصد)	جمع(درصد)
تا چه اندازه مایل به شرکت در کلاسهای آموزشی آشنایی با حقوق شهروندی هستید	۳۳/۵	۳۵/۴	۳۱/۱	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

۶۷٪ از مردم تمایل زیادی برای آشنایی با حقوق شهروندی خود دارند و معتقدند از حقوق شهروندی چیزی نمی دانند.

– میزان نقش در مدیریت شهرها

جدول ۷: توزیع فراوانی پاسخ گویان به میزان نقش آنان در مدیریت شهر N=۱۱۶

عنوان گویه	زیاد(درصد)	تاحدودی(درصد)	کم(درصد)	جمع(درصد)
تا چه اندازه در مدیریت شهر خود نقش دارید؟	۰/۹	۳۳/۷	۵۶/۴	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

۹۹٪ از پاسخگویان نقش خود را در مدیریت شهری تاحدودی و کم دانسته اند که این مسأله سبب احساس بی قدرتی و عدم رغبت آنان در مشارکت شهرها خواهد شد

– میزان ارتباط و آگاهی از برنامه های مدیریت شهری در قالب شنش گویه سنجیده شده است.

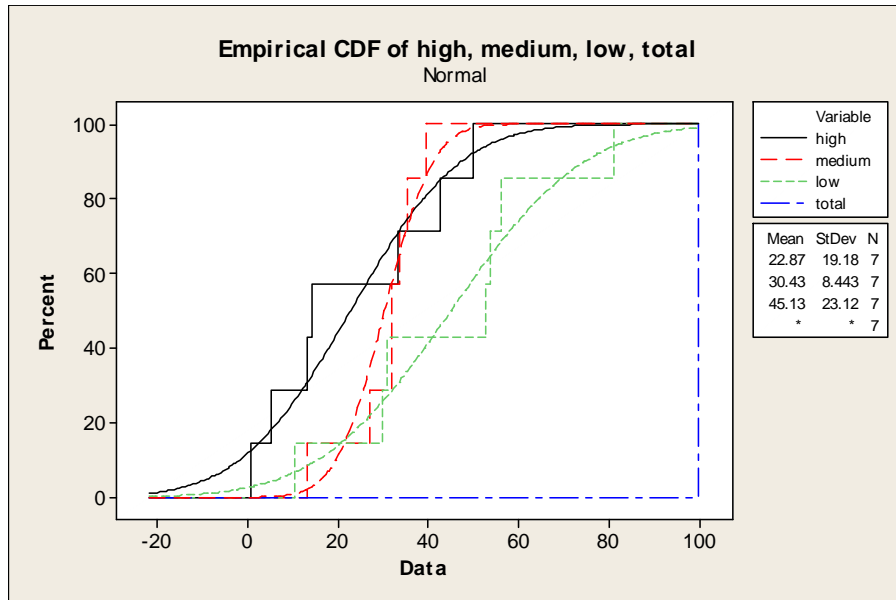
جدول ۸ میزان آشنایی ارتباط و آگاهی از برنامه های مدیریت شهری N=۱۱۶

عنوان گویه	زیاد(درصد)	تاحدودی(درصد)	کم(درصد)	جمع(درصد)
تا چه اندازه با برنامه های شهرداری و شورای شهر خود آشنایی دارید؟	۵/۴	۱۳/۳	۸۱/۳	۱۰۰
تا چه اندازه با اعضای شورای شهر ارتباط دارید؟	۱۴/۲	۳۱/۹	۵۳/۹	۱۰۰
تا چه اندازه نظرات شهروندان می تواند در مدیریت امور شهرها مؤثر باشد؟	۵۰	۳۹/۶	۱۰/۴	۱۰۰
تا چه اندازه مدیران شهری در مدیریت شهر شما موفق بوده اند؟	۴۲/۹	۲۷/۲	۲۹/۹	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

عنوان گویه	بلی(درصد)	خیر(درصد)	جمع(درصد)
آیا تاکنون برای بهبود محله، کوچه و یا شهر خود ایده یا پیشنهادی داده اید؟	۹/۶	۹۰/۴	۱۰۰
آیا تاکنون در انجمن و یا تشکل خاصی مثل NGO ها عضویت داشته اید؟	۸/۹	۹۱/۱	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان



شکل ۱- نمودار تحلیل آماری جدول ۸-۱

در این نمودار گویه های پرسش شده به حالت تجمعی درآمده اند. از آنجا که محور اصلی این گویه ها در مورد نقش مدیریتی شهروندی بر مبنای تجربیات شهروندان تنظیم شده است لذا این تجمع گرایي بامعنا است. با توجه به این نمودار درصد قابل توجهی از مردم (در حدود ۶۷٪) در مشارکت شهری نقشی ندارند در حالی که تمایل به مشارکت دارند.

میزان آگاهی مردم از برنامه های شورای شهر و شهرداری همدان کم است و سطح ارتباط آنان نیز با اعضای شورای شهر و مدیران شهری در حد قابل قبولی نیست ولی میزان آمادگی مردم و تمایل آنان نسبت به مشارکت در برنامه های شهر در سطح قابل قبولی است به هر حال آنچه از این پرسشنامه حاصل شد میزان مشارکت و علاقه مردم به مشارکت دارای حداقل و حداکثرهای یکسان و یا به عبارتی دامنه یکسانی نبود لذا امکان مقایسه کامل آنها وجود ندارد ولی با این حال مشاهده تفاوتی آنها می تواند گویای واقعیت هایی باشد.

در مجموع آنچه مشاهده می شود این است که سطح مشارکت بالا نیست و شاید دلیل آن را رشد نیافتگی گروههای اجتماعی و نهادهای مدنی و نبود فرصت های لازم برای مشارکت شهروندان به سبب ضعف سازمانهای شهری و مدیریتی دانست با تقویت گروههای میانی و افزایش اعتماد

اجتماعی - روحیه همکاری و تقویت هویت جمعی فراگیر می توان به افزایش مشارکت داوطلبانه مردم امیدوار بود در غیر اینصورت زمینه های استمرار رفتار مشارکت جویانه پدید نخواهد آمد. در ادامه پرسشنامه سولاتی جهت تعیین سطح گرایش به مشارکت شهروندان در اداره امور شهر ها طرح شده است که نمونه هایی از آن را ذکر می نمایم .

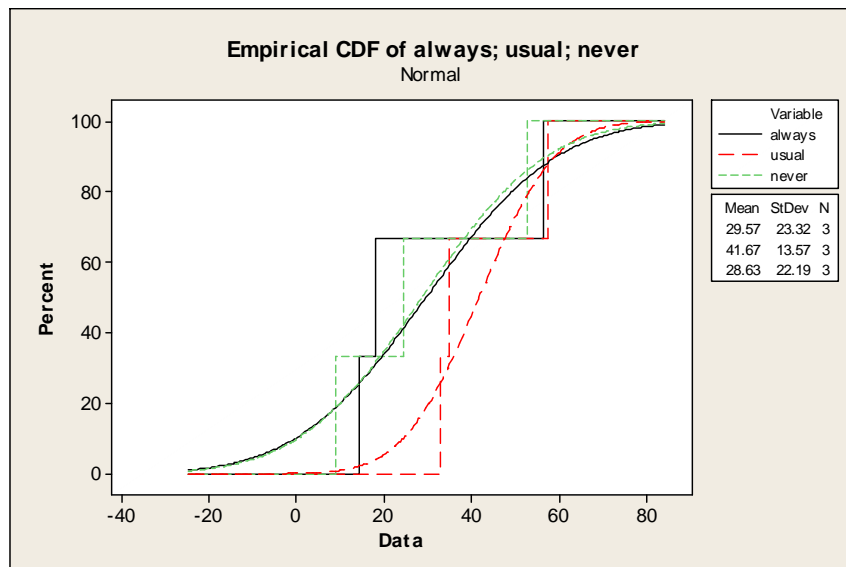
– انجام فعالیتهای در سطح محله

جدول ۹ توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب گرایش آنان به انجام برخی فعالیتهای در سطح محله

عنوان گویه	تعداد و درصد	همیشه	گاهی مواقع	هیچ گاه	جمع
آیا حاضرید در انجام فعالیتهای محله مثل تأمین روشنایی و آسفالت مشارکت کنید؟	تعداد	۲۲	۶۵	۲۹	۱۱۶
	درصد	۱۸/۱	۵۷/۳	۲۴/۵	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

گرایش به مشارکت در فعالیتهای محله تقریباً متوسط رو به بالاست.



شکل ۵: نمودار تحلیل آماری جدول شماره ۹

با توجه به نزدیکی انحراف معیار گزینه های همیشه و هیچ گاه می توان دریافت که شاخص پاسخ گویی در این دو گزینه متعادل است.

– عضویت در شورای شهر

جدول ۱۰: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان گرایش آنان به نامزد شدن در انتخابات شورای شهر

عنوان گویه	تعداد و درصد	بلی	خیر	جمع
آیا حاضرید خود را نامزد انتخابات شورای شهر کنید	تعداد	۳۳	۸۳	۱۱۶
	درصد	۲۸/۱	۷۱/۹	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان

حدود ۲۸٪ از پاسخگویان آمادگی خود را برای نامزد انتخابات شورای شهر اعلام داشته اند

(مشارکت دو سویه نیست).

– میزان مشارکت مردم طی سه دوره انتخابات شورای شهر

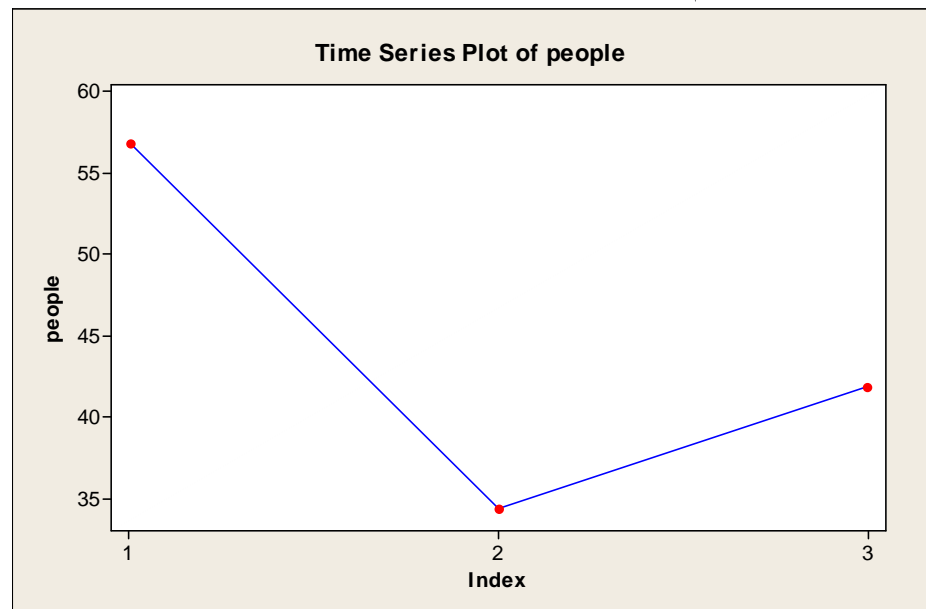
مطابق آمار متخذه از دفتر معاونت اجتماعی استانداری همدان مشارکت مردم همدان در طی

سه دوره انتخابات شورای شهر به ترتیب زیر بوده است.

۱- دوره اول انتخابات شورای شهر: ۵۶/۸۱ درصد

۲- دوره دوم انتخابات شورای شهر: ۳۴/۳۲ درصد

۳- دوره سوم انتخابات شورای شهر ۴۱/۸۵ درصد



شکل شماره ۶- نمودار تحلیل آماری میزان مشارکت

مشاهده می شود که مشارکت دوره اول از استقبال بیشتری برخوردار بوده و سپس روند نزولی

داشته که این موضوع قابل تأمل است.

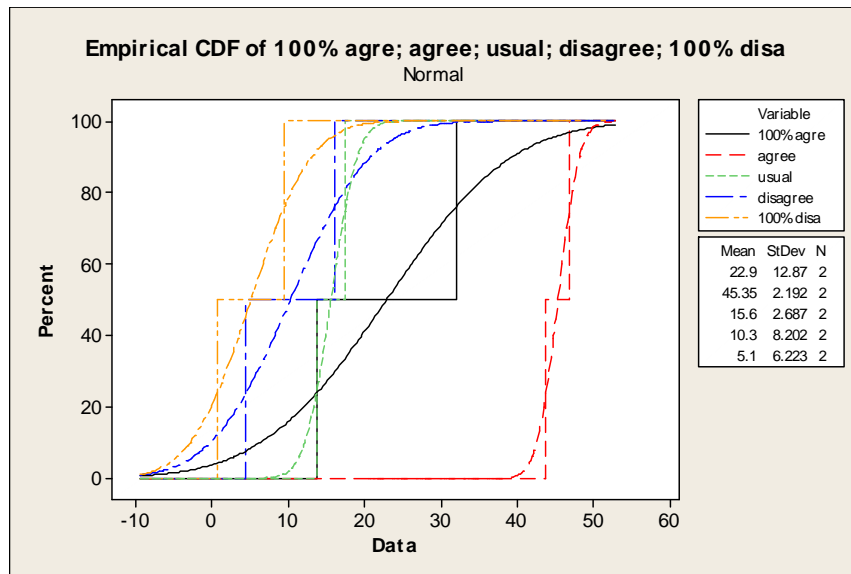
– پرداخت عوارض شهرداری

گرایش به پرداخت عوارض با استفاده از سه گویه سنجیده شده است:

جدول ۱۱: توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب میزان گرایش آنان به پرداخت عوارض شهرداری

عنوان گویه	توزیع با مثبت	کامل موافقم (۱)	موافقم (۲)	تأخیری این طور است (۳)	مخالصه (۴)	کامل مخالفم (۵)	جمع (درصد)
عده ای معتقدند در مقابل عوارض پرداختی خدمات مناسبی ارائه نمی شود.	تعداد درصد	۱۷ ۱۳/۸	۵۴ ۴۶/۹	۱۵ ۱۳/۷	۱۸ ۱۶/۱	۱۲ ۹/۵	۱۱۶ ۱۰۰
پرداخت عوارض تعیین شده سبب بهبود اوضاع شهر می شود.	تعداد درصد	۱۷ ۱۳/۸	۵۴ ۴۶/۹	۱۵ ۱۳/۷	۱۸ ۱۶/۱	۱۲ ۹/۵	۱۱۶ ۱۰۰
	تعداد و درصد	بلی		تأخردودی		خیر	جمع
آیا شما عوارض شهرداری را تماماً و با طیب خاطر پرداخت خواهید کرد	تعداد درصد	۷۱ ۶۰/۷		۳۷ ۳۲/۶		۸ ۶/۷	۱۱۶ ۱۰۰

مأخذ: نگارندگان



شکل ۷: نمودار تحلیل آماری جدول شماره ۱۱

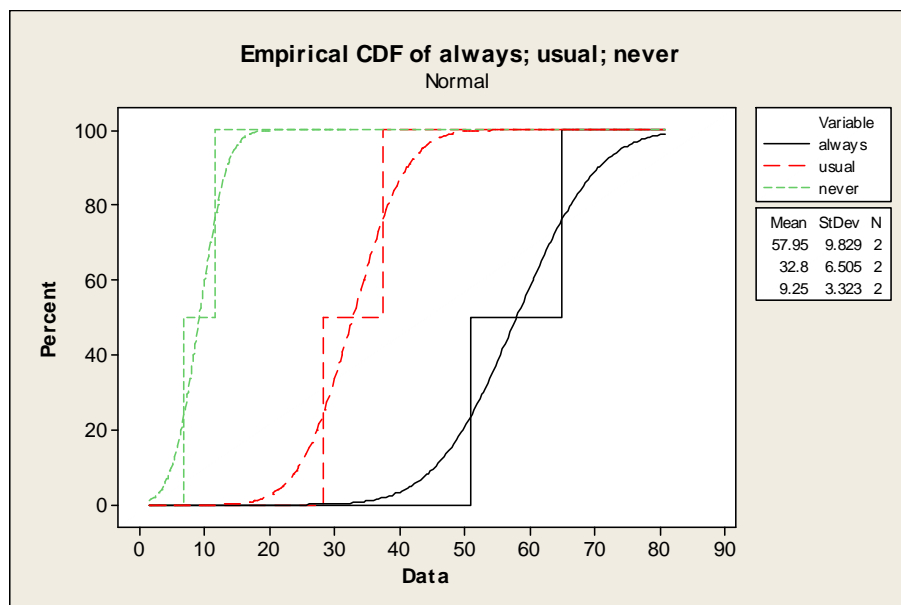
با توجه به اختلاف انحراف معیار در یک گزینه (موافقم) نسبت به سایر گزینه ها می توان دریافت نسبت به دو گویه ارایه شده شاهد اختلاف نظرها در سطوح بالاتر هستیم.

– مشارکت در طرح استقبال از بهار

به منظور اطلاع از سطح مشارکت در طرح های مشارکتی مثل شهردار مدرسه و استقبال از بهار سئوالات در قالب دو گویه تنظیم شد.

جدول ۱۲: توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب میزان گرایش آنان به مشارکت در طرح ها

عنوان گویه	بلی	ناحدودی	خیر	جمع
آیا شما حاضرید در طرح های مشارکتی مثل استقبال از بهار و شهردار مدرسه، مشارکت کنید؟	۵۱/۰	۳۷/۴	۱۱/۶	۱۰۰
آیا فرزندان و نزدیکان خود را تشویق به مشارکت در این طرح می کنید؟	۶۴/۹	۲۸/۲	۶/۹	۱۰۰



شکل ۸: نمودار تحلیل آماری جدول شماره ۱۲

در این نمودار شیب مثبت گرای گزینه (همیشه) حاکی از وجود اشتیاق در این امر می نماید

— مقایسه

گویه هایی که میزان مشارکت بر حسب آنها سنجیده شده دارای حداقل و حداکثر یا دامنه

یکسانی نیستند لذا امکان مقایسه آنها وجود ندارد

جدول ۱۳: مقایسه متغیرهای مشارکت بر حسب میانگین و انحراف معیار

عنوان گرایش	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شرکت در انتخابات هیأت مدیره یا شورای محل	۲/۴۸	۰/۶۵	۱	۳
نامزد شدن برای عضویت در هیأت مدیره یا شورای محل	۱/۶۱	۰/۷۲	۱	۳
مشارکت در فعالیتهای در طرح محله	۱/۹۴	۰/۶۵	۱	۳
شرکت در انتخابات شورای شهر	۲/۱۹	۰/۵۶	۱	۳
عضویت در شورای شهر	۱/۲۸	۰/۴۵	۱	۲
پرداخت عوارض شهری	۴/۰۰	۰/۶۹	۱/۲۲	۵
شرکت در طرح استقبال ازبهار	۴/۰۶	۰/۷۸	۱/۲۷	۵

مأخذ: نگارندگان

در میان مجموع فعالیتهای یاد شده، ظاهراً پرداخت عوارض شهری و طرح استقبال از بهار، گرایش در مشارکت بیش از زمینه های دیگر است و بعد از آن فعالیت در سطح محله و سپس نامزد شدن برای عضویت شورای محل و در آخر نامزد شدن برای عضویت در شورای شهر قرار دارد.

جدول ۱۴: ضریب همبستگی پیرسون میان شاخص های گرایش به مشارکت

گرایش به مشارکت در ...	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
شرکت در انتخابات هیأت مدیره یا شورای محل	*	۰/۲۷۶	۰/۳۱۵۶	۰/۵۶۴۱	۰/۲۰۸۸	۰/۳۹۰۴	۰/۴۰۵۰
نامزد شدن برای عضویت در هیأت مدیره یا شورای محل	۰/۰۰۰	*	۰/۴۰۵۸	۰/۳۶۴۳	۰/۵۷۹۸	۰/۱۵۳۶	۰/۲۰۶۸
مشارکت در فعالیتهای در طرح محله	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	*	۰/۳۴۲۸	۰/۲۹۴۱	۰/۲۲۰۴	۰/۲۷۳۶
شرکت در انتخابات شورای شهر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	*	۰/۲۹۷۰	۰/۳۶۷۲	۰/۳۷۷۳
عضویت در شورای شهر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	*	۰/۱۰۴۳	۰/۱۴۷۹
پرداخت عوارض شهری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	*	۰/۵۴۲۵
شرکت در طرح استقبال ازبهار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	*

مأخذ: نگارندگان

ضرایب همبستگی میان کلیه سطوح مشارکت نشان می دهد، در تمام موارد همبستگی مثبت است به عبارت دیگر مشارکت اعم از خرد، متوسط یا کلان یک گرایش است که تناسب تمام آنها در فرد وجود دارد یا ندارد. به طور مشخص تر می توان گفت سطوح بالاتر مشارکت با یکدیگر همبستگی

بیشتری دارند و بر عکس. بنابراین احتمالاً مشارکت بیش از آنچه که به ارزیابی فرد از هزینه و منفعت مربوط شود به ویژگی های فردی و فرهنگی و اجتماعی افراد برمی گردد.

جمع بندی ، نتیجه گیری نهایی

در الگوی کلی می توان مشارکت را تابع دو عامل نهادی و نگرشی دانست و مشارکت رفتاری است جمعی ، آگاهانه و داوطلبانه که به قصد کسب منافع فردی و اجتماعی صورت می گیرد و ناظر بر نوعی تمایل ذهنی و روانی است . در این تحقیق همانطور که گفتیم در مرحله اول متغیرهایی از قبیل گروه های سنی ، میزان سواد ، درآمد ماهیانه مورد استفاده قرار گرفته اند . و نتایج پژوهش در زمینه مشارکت آنها در انجمن های خانه و مدرسه نشان می دهد که گروه های سنی میانه بیش از دیگر گروه های سنی به مشارکت در انجمن ها تمایل دارند که دلیل آن را شاید بتوان در ماهیت و موضوع این مشارکت دانست- گروه های تحصیلی پایین تر میزان مشارکت بالاتری داشته اند - با افزایش درآمد تا حدی از سطح مشارکت در انجمن خانه و مدرسه کاسته می شود . در مجموع می توان گفت شهر همدان از حیث رفتار مشارکت جویانه در سطح بالایی قرار ندارد ولی با توجه به زمینه ای فرهنگی و اجتماعی امکان مشارکت پذیری وجود دارد.

همچنین در طی تحقیق این نتیجه حاصل شد که مقوله مشارکت و آگاهی مردم به حقوق شهروندی خود پیچیده تر از آن است که بتوان با چند متغیر آن را شناسایی کرد. و همین امر توجه به پیچیدگی های سیاستگذاری در این زمینه را ضروری می سازد. ولی با ارائه نکات زیر سعی در ارائه و جمع بندی نتایج بدست آمده می شود.

۱- دو متغیر بی قدرتی و ارزیابی هزینه - فایده ، از متغیرهای مهم در تبیین مشارکت محسوب می شوند .

۲- ضرایب استاندارد رگرسیونی نشان می دهد، ارزیابی ذهنی از منافع، یک اقدام بیش از متغیرهای دیگر در مشارکت اثر می گذارد. در مرتبه دوم، متغیر بی قدرتی اثر دارد. لذا در سیاستگذاری افزایش مشارکت باید به کاهش هزینه های فردی فعالیت توجه کرد. این کار باعث افزایش تمایل به مشارکت می شود. از طرف دیگر متغیر ارزیابی هزینه - فایده بیش از بی قدرتی حاصل فرآیندهای تاریخی و اجتماعی است و تغییر آن نیازمند زمان طولانی تری است.

- ۳- شهروندان اطلاعات بسیار کمی در مورد حقوق وظایف خود در محدوده فرهنگ و زندگی شهری داشتند. آگاه سازی مردم پیش شرط در اداره امور شهرها انجام می پذیرد (مثل الگوهای مشارکت در کشورهای توسعه یافته). و این امر نیز نیاز به برنامه ریزی و سیاستگذاری اجتماعی دارد.
- ۴- با افزایش سطح تحصیلات به طور محسوسی از "احساس بی قدرتی" کاسته می شود و "احساس قدرتمندی" فزونی می گیرد.
- ۵- با افزایش سن از "احساس بی قدرتی" کاسته شده و سپس بر آن افزوده می شود. به بیان دیگر "میان سالان" دارای "احساس قدرتمندی" بیشتری هستند.
- ۶- کاهش "احساس بی قدرتی" موجب افزایش "گرایش به مشارکت" می شود.
- ۷- افزایش روابط اخلاقی و سنی میان همسایگان به افزایش گرایش به مشارکت می انجامد.
- ۸- هرچه افراد منافع مشارکت را بیشتر ارزیابی کنند و هزینه آن را کمتر، گرایش بیشتری به مشارکت از خود نشان می دهند.
- ۹- با افزایش تحصیلات، فواید مشارکت بیش از هزینه آن برآورد می شود. البته چندان قوی نیست.
- ۱۰- مزدبگیران بخش عمومی معمولاً بیش از دیگران احساس قدرتمندی می نمایند.

موانع و مشکلات

عمده ترین دلایل عدم تحقق مشارکت مردم و حقوق شهروندی را می توان به شرح ذیل دسته بندی کرد:

- ۱- نبود جامعه مدنی
- ۲- نبود اصناف مستقل
- ۳- نبود نهادهای برخاسته از اراده آزاد افراد
- ۴- نبود نهادهای حقوقی
- ۵- نبود تحرک طبقات اجتماعی
- ۶- کم رنگ بودن زندگی انجمنی
- ۷- نبود عرصه های عمومی و شکل گیری دلبستگی های جمعی
- ۸- نگرش قیم مآبانه به شهر از سوی مدیران شهری و عدم آشنایی مردم با مفهوم شهروندی

۹- نتیجه گیری و پیشنهادهای ارائه شده

در تحقیق انجام شده راهبردهای افزایش مشارکت شهروندان در سه فرآیند، «درونی کردن ارزش های مشارکت»، «فرآیند نهادینه سازی و کاهش اختلالات اجتماعی»، «فرآیند و تکوین جامعه مدنی از طریق شکل گیری اتحادیه ها سندیکاها و اصناف و...» مورد توجه قرار گرفته البته روشن است که تکوین و توسعه جامعه مدنی در گرو فرآیند دیگر (درونی کردن و نهادینه سازی است). که در برنامه ریزی بلند مدت و راهبردی می توان تحقق بخشیدن آن را دنبال کرد پیشنهادات نیز در دو دسته اصلی و فرعی تقسیم شده که به طور خلاصه مطرح می گردد.

پیشنهاد اصلی

- ۱- گذاشتن دروس در دوره های ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان با عنوان «آموزش شهروندی»
- ۲- تقویت جامعه مدنی از طریق تقویت تشکل ها و انجمن ها: (مطابق آمار ها متخذه از دفتر معاون اجتماعی استاندار همدان شهر همدان دارای ۱۲۵ تشکل می باشد که ۴۲ مورد فرهنگی و هنری و بقیه ورزشی و خدماتی است و در زمینه فعالیت های اجتماعی تشکلی وجود ندارد)

پیشنهاد فرعی

- ۱- پدید آوردن احساس توطن و دلبستگی به مکان و محیط زندگی (از طریق مشارکت)
 - ۲- توجه به اصل قانون مداری
 - ۳- گسترش عرصه های عمومی در شهر (مانند زمان تمدن آتی - رومی)
 - ۴- تثبیت و تقویت شوراهای اسلامی شهر در ارتقاء شأن و نقش آنها
 - ۵- شخصیت بخشیدن به کودکان، نوجوانان و جوانان با تأکید بر اهمیت آنان به عنوان سازندگان توانمند فردای جامعه از طریق تقویت حس مسئولیت پذیری و تمرین مشارکت جمعی
 - ۶- ارتقاء کیفیت فرهنگی جامعه در پذیرش و اجرا و احترام به قانون (تخلقی به اخلاق شهروندی)
 - ۷- فراهم آوردن امکان «انتقاد» در جامعه شهروند مدار (بیان دشواریها و اریایی عملکرد)
- تحقیق انجام شده را با یک جمله از لوییز ممفورد به پایان می بریم:

«مأموریت نهایی شهر این است که مشارکت آگاهانه انسان را در فرآیند جهانی تاریخی بشر بیشتر کند شهر از راه ساختار پیچیده و پایدارش توانایی انسان را برای تسریع این روند و یافتن نقش مؤثر و شکل دهنده تا اندازه زیادی افزایش می دهد. تا هر مرحله از نمایش را که به صحنه می آورد در بالاترین درجه ممکن از روشنایی، هوشیاری، هدف و رنگ عشق برخوردار باشد. این بزرگنمایی در همه ابعاد زندگی از طریق مشارکت عاطفی و ارتباط عقلایی و مهارت فنی در تاریخ شهر بوده است و به صورت دلیل عمده ای برای ادامه و بقای شهر باقی می ماند.» (مامفورد، ۱۳۷۸، ۷۶۰)

منابع و مأخذ

- ارسطو (۱۳۶۴): سیاست، ترجمه حمید عنایت خوارزمی تهران.
- پیران، پرویز، (۱۳۷۶) شهر شهروندمدار، اطلاعات - سیاسی اقتصادی، ش ۱۲۰-۱۱۹،
- پورجبللی، ربابه (۱۳۸۵): تحلیل محتوای کتب درسی جامعه شناسی دوره متوسطه از حیث مفاهیم مربوط به حقوق شهروندی، مجله فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی واحد خلیخال، سال دوم، شماره ۸، بهار
- خاکی، علیرضا (۱۳۸۲): روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، انتشارات بازتاب
- شکویی، حسین (۱۳۷۸): جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات ماجد.
- شکویی، حسین (۱۳۸۲): فلسفه های محیطی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات گیتا شناسی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۵): سیاست و جامعه شناسی در اندیشه ماکس وبر، ترجمه مجید محمدی، تهران، نشر قطره.
- گیلبرت، آلن و گایگر، ژوزف (۱۳۷۵): شهرها فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری، شهرداری تهران، تهران.
- کاستلز، دیوید (۱۳۸۲). عصر اطلاعات. ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، انتشارات طرح نو
- مامفور، لوییز (۱۳۸۱): مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ. ترجمه دکتر احمد عظیمی بلوریان. تهران، خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۸۱. ص ۲۴۷.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۶): بررسی شهرنشینی دیفرانسیل، مجله مدرس - علوم انساس، شماره ۵۰.
- هاروی، دیوید (۱۳۷۶): عدالت و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و همکاران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
- هیراسکار، جی. کی (۱۳۷۶): درآمدی بر مبنای برنامه ریزی شهری، ترجمه محمدرضا سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد، ماجد، تهران.
- Faulks K. citizenship, London: Routledge. ۲۰۰۰.